

کتابخانه
پایه اول

ناشر تخصصی
علوم انسانی

مشاوران آموزش

سرشناسه: آقاصفری، مهسا، ۱۳۶۷-۱
عنوان و نام پدیدآور: هایلیت آرایه‌های ادبی انسانی کنکور / مهسا آقاصفری.
مشخصات نشر: تهران: مشاوران آموزش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص: ۱۷×۱۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۳۱۴-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۸۸۱۴۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبای

عنوان: هایلیت آرایه‌های ادبی انسانی کنکور
ناشر: مشاوران آموزش
چاپخانه: چاپ ۷۷
شمارگان و قطع: ۲۵۰۰ جلد / جیبی
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۳۱۴-۹

دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه مهر، پلاک ۱۸. تلفن: ۶۶۹۵۳۲۰۵

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷ **دفتر فروش**

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



آشنای با گروه تولید هایلیت آرایه‌های ادبی انسانی کنکور

مؤلف: مهسا آقاصفری
ویراستار علمی: نوشین الهامی
ویراستاران فنی: زهرا محسنی، ملیحه حشمتی

**خانواده
تالیف**

طراح جلد | آذر سعیدی‌منش
طراح لایوت | آذر سعیدی‌منش
گرافیکست | الهه ابراهیمی، آذر سعیدی‌منش
نظارت بر چاپ: عباس جعفری
صفحه‌آرا: الهه ابراهیمی، سیدکیمیل موسوی‌پور
حروف‌نگار: آذر آگهی

**خانواده
طراحی
و چاپ**

پیشن گفتار

سخن ناشر

سال ۸۰ بود که در انتشارات مشاوران آموزش رویدادی بی‌سابقه اتفاق افتاد. برای اولین بار کتاب‌هایی را با عنوان کتاب‌های کوچک هدف‌دار تولید کردیم که دو نگاه عمده در تألیف آن در نظر گرفته بودیم:

یکی اینکه هر درسی را به مباحث گوناگون تقسیم کردیم و برای هر مبحث کتاب مستقل تألیف و چاپ کردیم. در آن دوران نوشتن کتاب‌های مبحثی امری نادر بود و عمده کتاب‌ها به‌صورت جامع تألیف و چاپ می‌شد.

دوم اینکه در شکل تألیف کتاب‌های کوچک، شیوه‌ای نوین از آموزش را جاری کردیم؛ شیوه‌ای که نشان می‌داد چطور آموزش مبتنی بر خلاصه ارائه نکنیم! چون هر خلاصه‌ای یعنی حذف کردن بخشی از واقعیت آموزشی.

استقبال بی‌نظیر دانش‌آموزان و دبیران از کتاب‌های کوچک ما نشان داد که تشخیص ما درست بود.

سال‌ها گذشت تا رسیدیم به سال ۱۴۰۰ و دوباره تصمیم گرفتیم سنت قدیم خودمان را در قالبی نوتر و با نامی جدید برای شما دانش‌آموزان عزیز آماده کنیم:

«مجموعه کتاب‌های هایلایت»

من به‌شخصه بسیار امیدوارم که هایلایت‌هایمان در نتیجه‌گیری برای رسیدن به اهدافتان مؤثر واقع شوند.

بدانید که حجم کوچک این کتاب‌ها نتیجه حذف نبوده؛ بلکه بر این اساس نوشتیم که همه آنچه مهم است را، به بهترین شکل یاد بگیرید.

آرزوی موفقیت برای دانش‌آموزان انسانی ایران عزیزمان دارم؛ دانش‌آموزانی که بار توسعه کشور بر دوش آنان است.

وحید تمنا



روزی که طرح کتاب جیبی «آرایه‌های ادبی انسانی» را می‌ریختیم، آن را مثل یک رفیق و همراه برای شما تصور کردیم:

● وقتی که در کافه نشست‌اید و منتظر آماده شدن سفارستان هستید، کتاب را باز کنید و سریع درس «کنایه» را مرور کنید.

● در ایستگاه هستید و تا رسیدن اتوبوس، اندکی زمان دارید. کتاب را ورق بزنید و چند مثال از «اضافه تشبیهی» و «اضافه استعاری» ببینید.

● در یک مهمانی خانوادگی شرکت کرده‌اید و بحث‌ها برایتان جذاب نیست؛ می‌توانید کتاب را از جیب یا کیفتان بیرون بیاورید و تفاوت «ایهام» و «جناس تام» را مرور کنید.

ما برای آرایه‌های ادبی در این کتاب این‌طور هدف‌گذاری کرده‌ایم:

① سریع و خلاصه تعریف هر آرایه را ببینید و علت زیبایی‌آفرینی آن را بفهمید. ←

ماجرای این قراره

② اگر مطلب در ذهنتان جای‌گیر شده بود و گاهی خواستید مثال‌ها را مرور کنید، بیت‌های متنوع با آرایه مورد نظر را ببینید. ← ریز و درشت (بعضی از این مثال‌ها را از ابیات پر تکرار

آزمون‌های سراسری انتخاب کرده‌ایم تا ضمن یاد گرفتن مطلب به کنکور هم توجه کنید).

③ مبحث مورد نظر را که یاد گرفتید، با آن تمرین حل کنید و آموخته‌هایتان را محک بزنید.

← **گوی و میدان** (تمرین‌های این بخش را متنوع طراحی کرده‌ایم تا در حین مرور و جمع‌بندی، تکرار ساختار سؤالات برایتان آزردهنده نباشد).

④ در هر بخش، ترفندها و تکنیک‌های مربوط به هر آرایه را توضیح داده‌ایم تا هنگام تست‌زنی، ذهنیتی جامع نسبت به بحث مورد نظر داشته باشید. ← **دنبال تصویر** باشید.

⑤ خواستیم در حین آموختن آرایه‌ها با شاعران ادبیات معاصر هم آشنا شوید و شعرهای خوب بخوانید. آرایه‌ها را بهانه کردیم و کاربرد آن‌ها را در شعر نو نشان دادیم؛ مثلاً ← **تناقض در شعر نو**

⑥ بعد از یادگیری درس‌های هر پایه، نوبت تست‌زنی است. در انتهای هر پایه یک آزمون جامع طراحی کرده‌ایم. دو آزمون جامع نیز در انتهای کتاب، سؤالات ترکیبی آرایه‌ها را به شما معرفی می‌کند و با پاسخ دادن به آن‌ها با ساختار تست‌های کنکور بیشتر آشنا می‌شوید.

از مسیری که برای موفقیت در آزمون سراسری پیش رو دارید، آگاهیم. امیدواریم کتاب آرایه‌های ادبی انسانی، همراه مناسبی برای شما در جمع‌بندی مطالب، مرور نکات مهم و آشنایی با تست‌های آزمون سراسری باشد.

مهسا آقاصفری



<p>۷ درس سوم: واج آرای، واژه آرای</p> <p>۱۰ درس ششم: سجع و انواع آن</p> <p>۱۵ درس نهم: موازنه و ترصیع</p> <p>۱۹ درس دوازدهم: جناس و انواع آن</p> <p>۲۶ آزمون جامع پایهٔ دهم</p>	پایهٔ ۱۰
<p>۳۳ درس سوم: تشبیه</p> <p>۴۴ درس ششم: مجاز</p> <p>۵۰ درس نهم: استعاره</p> <p>۵۹ درس دوازدهم: کنایه</p> <p>۶۶ آزمون جامع پایهٔ یازدهم</p>	پایهٔ ۱۱
<p>۷۳ درس سوم: مراعات نظیر، تلمیح و تضمین</p> <p>۸۶ درس ششم: لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما</p> <p>۹۲ درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب</p> <p>۱۰۳ درس دوازدهم: حسن تعلیل، حسن آمیزی و اسلوب معادله</p> <p>۱۱۳ آزمون جامع پایهٔ دوازدهم</p> <p>۱۲۰ آزمون جامع ۱</p> <p>۱۲۵ آزمون جامع ۲</p>	پایهٔ ۱۲

درس ۹

استعاره

دلایل از ادبی قراره

«استعاره» یعنی قرض کردن و وام گرفتن و ماجرا از این قراره که می‌خواهیم از دو طرف اصلی تشبیه (مشبه و مشبه‌به) یکی را حذف کنیم و به استعاره برسیم.

«استعاره» کاربرد واژه‌ای به جای واژه دیگر، به دلیل **شبهت** در ویژگی یا صفتی مشترک است.

«یارب این ماییم از آن جان پیمان افتاده دور / سایه وار از آفتابی ناگهان افتاده دور»

برویم سراغ حال و هوای عاشقانه این بیت! شاعر از دوری معشوق به خدا شکایت می‌برد؛ اما به جای یار، دوست، معشوق چه ترکیب‌ها و واژه‌هایی انتخاب کرده است؟
مصرع اول: ما از ~~یارمان~~ که ~~همچون~~ جان جهان ماست، دور افتاده‌ایم.

مشبه ادات تشبیه

مصرع دوم: ما همچون سایه‌ایم که از ~~معشوق~~ ~~همچون~~ آفتاب، جداییم.

مشبه ادات تشبیه

«جان جهان» و «آفتاب» به جای یار. به نظران زیباتر نشد؟

«استعاره» را برای همین منظور به کار می‌بریم: خلق زیبایی بیشتر و هنری تر کردن شعر و کلام.

مجاز و استعاره

حالا بگویند تعریف آرایه «مجاز» را یادتان هست؟

به کار بردن واژه در معنای غیر حقیقی خود. گاهی مجاز بر پایه **شبهت** استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیر حقیقی، علاقه مشابهت است. به این نوع از مجاز، استعاره هم می‌گوییم. پس این نکته را ذخیره کنید:

مجاز به علاقه شبهت، همان «استعاره» است.

روز و درخشش

- ① «پو به فنده بازیام اثر دهان تنگش صدف گهر نماید شکر عقیق رنگش»
به قرینه مصراع اول می‌توانیم مطمئن باشیم که «گهر» و «شکر» در معنای حقیقی به کار نرفته‌اند. شاعرانه‌اش این‌طور می‌شود که به جای «لب» بگوییم: شکر عقیق رنگ (ویژگی مشترک: شیرینی) / به جای «دندان» هم واژه «گهر» را به کار ببریم (ویژگی مشترک: درخشندگی).
- ② «سایه بالای آن سرو از سر من کم مباد زان که بر من رهمتی از عالم بالاست این»
معشوق من همچون درخت سرو، بلند و سرکشیده است و من آرزوی سایه او را دارم: سرو به جای معشوق
- ③ «مرا برف باریده بر پت زاغ نشاید پو بلبل تماشای باغ»
از نگاه شاعر، به جای موی سپید (نشانه پیری) برف بگذارید و به جای موی سیاه (نشانه جوانی) «بر زاغ» را قرار دهید.

گوی و میدان

در ابیات زیر، واژه‌هایی را که در معنای غیرحقیقی (استعاری) به کار رفته‌اند، مشخص کنید.

- | | |
|--------------------------------------|--|
| از مژه یک دامنت لعل روان خواهم فشاند | ۱) گر چو چنگم در بر آبی زلف در دامن کشان |
| بر برگ لاله ریخته از قیر ناب، آب | ۲) بر سیم ساده بیخته از مشک سوده گرد |
| (سوده = ساییده) | |
| بخیه زن از خامشی این رخنه افسوس را | ۳) بی‌ندامت نیست هر حرفی که از لب سرزند |
| ناگزیر است که گویی بود این میدان را | ۴) سر بنه گر سر میدان ارادت داری |

پاسخ:

- اگر چون چنگ در برم آبی ... از مژه به اندازه یک دامن لعل روان در دامنت می‌افشانم. به قرینه واژه «مژه»، می‌توان گفت «لعل روان» در معنای استعاری به کار رفته است. چه چیزی چون لعل، درخشان است و از مژه روان می‌شود؟ «اشک»
- تصویرسازی کنیم: بر سیم ساده از مشک ساییده شده، گرد بریزیم؛ بر گلبرگ لاله، از قیر ناب، آب.

در اشعار کلاسیک، چهره را از جهت سفیدی به سیم و زلف را از جهت رنگ سیاه به مُشک مانند می‌کردند.

سیم: استعاره از رخ / مشک: استعاره از زلف / گلبرگ لاله: استعاره از رخ یار / قیر: استعاره از زلف (ویژگی مشترک: سیاه‌رنگی)

۳. شاعر در این بیت ما را به خاموشی و گزیده‌گویی دعوت می‌کند و می‌گوید هر سخن [بی‌جایی] ندامت به بار می‌آورد؛ پس با سکوت و خاموشی، این رخنهٔ افسوس را ببند (خاموش باش تا از روی افسوس دهان باز نکنی و حسرت نخوری). / رخنه (شکاف): استعاره از دهان

۴. تأکید شاعر در این بیت، تسلیم و ارادت‌ورزی بر درگاه یار است. اگر می‌خواهی به میدان ارادت یار نزدیک شوی، مثل گوی سر بنه و تسلیم باش.

میدان در مصراع دوم: استعاره از عشق و ارادت به دوست / گوی: استعاره از سر



💡 حتماً می‌دانید که واژه‌هایی مثل «سرو، ماه، قمر (معشوق)، مشک و سنبل (زلف)، لعل (دهان)، نرگس (چشم) و ...» از استعاره‌های پرکاربرد شعر فارسی هستند؛ اما یادتان باشد که شرط استعاری‌بودن یک واژه، غیرحقیقی بودن معنای آن است؛ یعنی واژه حتماً باید به‌علت شباهت، به‌جای واژهٔ دیگر به‌کار رفته باشد و اگر کلمه‌ای در معنای حقیقی خود باشد، استعاره نیست.

گوی و میدان

ابیات زیر را بخوانید و بیتی را که در آن استعاره به‌کار رفته است، مشخص کنید.

- | | | | |
|-----------------------|-----------------------------------|-----------------------|--------------------------------------|
| <input type="radio"/> | ۱) گفتم یزتم بر آتش آبی | <input type="radio"/> | وین آتش دل نه جای آب است |
| <input type="radio"/> | ۲) دردا که بیخیم در این سوز نهانی | <input type="radio"/> | وان را خبر از آتش ما نیست که خام است |
| <input type="radio"/> | ۳) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش | <input type="radio"/> | ما هیچ نگفتم و حکایت به در افتاد |
| <input type="radio"/> | ۴) یکی بی‌زبان مرد آهنگرم | <input type="radio"/> | ز شاه آتش آید همی بر سرم |

پاسخ:

۱. آتش دل: استعاره از غم - آب: استعاره از اشک / ۲. آتش: استعاره از عشق / ۳. در این بیت، واژهٔ «آتش» در معنای حقیقی به‌کار رفته است. / ۴. آتش: استعاره از ظلم و ستم



انواع استعاره

دو اصطلاح «استعاره مصرّحه» و «استعاره مکنیه» را که شنیده‌اید؟ این فرمول را به خاطر بسپارید:

از دو رکن اصلی تشبیه، تنها یک رکن را نگه می‌داریم:

به شرط باقی‌ماندن **مشبهه** ← **استعاره مصرّحه** داریم.

به شرط نگه‌داشتن **مشبهه** + ویژگی یا لوازم **مشبهه** ← **استعاره پنهان (مکنیه)** داریم.

○ «زیر این چادر نگه کن کز نجات لشکری بسیار فوار و بی‌مر (= بی‌شمار) است»

واژه «چادر» در معنای حقیقی به کار نرفته است:

آسمان همچون چادری یا خیمه‌ای است که در زیر آن، گیاهان رویده‌اند. ← **استعاره مصرّحه**

مشبهه
مشبهه

○ غوغای چشم‌های من و تو، سکوت را در آن کتابخانه رعایت نکرده بود.

غوغا به راه انداختن و سکوت‌نکردن عملی انسانی است و در این بخش زیبا از شعر قیصر

امین‌پور، چشم‌ها مثل انسان‌ها غوغا به راه انداخته‌اند. در واقع «مشبهه» با یک ویژگی یا صفت

مشبهه «انسان» همراه شده است. ← **استعاره مکنیه**

نکته ابیاتی که تا اینجا برای آشنایی با استعاره خواندیم و تمرین کردیم، همگی از نوع «مصرّحه» بوده‌اند.

گوی و هیجان

مشخص کنید نوع استعاره در کدام بیت متفاوت است؟

- ستارگان را دندان به کام درشکنم
○ به گاه عربده گر با سپهر بستیزم
- به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
○ تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت؟
- چو نسربین بجنسد شود چشم گل
○ به خون سرخ چون چشم اسفندیار
- روزها را همچو مشت‌ی برگ زرد پیر و پیراری / می‌سپارم زیر پای لحظه‌های پست

پاسخ:

۱. ستاره همچون انسانی است که دندان و دهان دارد: مشبهه + ویژگی مشبهه‌به: استعاره مکنیه

۲. در مصراع اول، مهلت دادن آسمان عملی غیرواقعی و انسانی است: مشبه (آسمان) + ویژگی مشبّه‌به (فرصت دادن): استعاره مکنیه
- در مصراع دوم دنیا همچون زال است (زال = فرد مسن و حيله‌گر): ذکر مشبه: استعاره مصرّحه
۳. خندیدن گل نسرین همچون انسان و قاتل شدن «چشم» برای گل: مشبه + ویژگی مشبه‌به: استعاره مکنیه
۴. شاعر در این قطعه، برای لحظه‌ها، صفتی انسانی (پستی) قائل شده و یکی از اعضای بدن (پا) را به آن نسبت داده است: مشبه + ویژگی مشبه‌به: استعاره مکنیه
- در تمامی ابیات استعاره مکنیه ذکر شده و تنها در بیت «۲»، استعاره مکنیه با استعاره مصرّحه همراه شده است.

استعاره مکنیه و تشخیص

بار دیگر به ساختار استعاره مکنیه و مثال‌هایی که آوردیم، دقت کنید. گاهی مشبه‌به محذوف یک تشبیه، «انسان» است. در این ساختار، تنها ویژگی، صفت یا جزئی از مشبه‌به (انسان) با مشبه همراه می‌شود. در این موارد با یک آرایه دیگر هم مواجه می‌شویم: **تشخیص**.

«نیست غافل عشق بی پروا / ز مرگ کوهکن
نقش شیرین می‌کند شیرین دهان تیشه را»

عشق بی پروا:

عشق مثل انسانی بی پرواست ← استعاره مکنیه / نسبت دادن بی پروایی به عشق: تشخیص

مشبه مشبه‌به ویژگی مشبه‌به

عشق غافل نیست:

عشق مثل انسانی هشیار فرض شده است. ← استعاره مکنیه / غافل نبودن عشق: تشخیص

مشبه مشبه‌به ویژگی

محذوف مشبه‌به

دهان تیشه:

تیشه مثل انسانی است که عضوی به نام دهان دارد. ← استعاره مکنیه / قاتل شدن دهان

عضوی از مشبه‌به

مشبه مشبه‌به محذوف

برای تیشه: تشخیص

هر تشخیصی یک استعارهٔ مکنیه است.

گوی و میدان

آیاتی را که در آن استعارهٔ مکنیه با تشخیص همراه شده، مشخص کنید.

- | | |
|--|---|
| <input type="radio"/> ۱) سر انگشت تحیر بگزد عقل به دندان | <input type="radio"/> چون تأمل کند این صورت انگشت‌نما را |
| <input type="radio"/> ۲) رنگ از جبین آینه صیقل نمی‌برد | <input type="radio"/> زین سان که می‌برد لب خامش ز دل غبار |
| <input type="radio"/> ۳) روی این مهتابی، خشت غربت را می‌بویم | <input type="radio"/> که آتش از عرق شرم آب گردیده است |
| <input type="radio"/> ۴) کدام زهره‌جبین بی‌نقاب گردیده است؟ | <input type="radio"/> شکر خدا که باز شد دیدهٔ بخت روشنم |
| <input type="radio"/> ۵) چشم که بر تو می‌کنم چشم حسود می‌کنم | <input type="radio"/> نبد زو مرا روزگار گریز |
| <input type="radio"/> ۶) زمانه بیازید چنگال تیز | |

پاسخ:

۱. سر انگشت گزیدن عقل / ۲. جبین (پیشانی) قائل‌شدن برای آینه / ۴. قائل‌شدن عرق شرم برای آتش / ۵. دیده قائل‌شدن برای بخت
در بیت «۳»، خشت غربت استعارهٔ مکنیه است؛ اما نه از نوع تشخیصی:
غربت همچون دیواری است که خشت جزئی از آن است.
مشبه مشبه‌به محذوف ویژگی مشبه‌به
در بیت «۶»، زمانه همچون گرگی چنگال‌تیز است؛ استعارهٔ مکنیه
مشبه مشبه‌به محذوف ویژگی مشبه‌به



اضافهٔ استعاری

باز هم استعارهٔ مکنیه را در نظر بگیرید. بیایید ویژگی یا صفت مشبه‌به را با یک «کسره» به مشبه اضافه کنیم. به این نوع اضافه، **اضافهٔ استعاری** می‌گوییم.

«با بال شوق ذره به فورشید هر رسد پرواز دل به سوی فدا می‌برد مرا»

به ترکیب «بال شوق» و «پرواز دل» دقت کنید. شوق: مشبه - بال داشتن: ویژگی مشبه‌به محذوف (پرنده) / دل: مشبه - پرواز کردن: ویژگی مشبه‌به محذوف (پرنده)



۱۱. در ابیات زیر مجموعاً چند «تشبیه» به کار رفته است؟

گیاه تشنه جگر بدم آفتابم سوخت روزی زین خانه تاریک بر دل واکنید بر جای خویش خشک کند رود نیل را سرکوفته باید که بدارند گیا را بر دوش بار منت احسان نداشته‌ست	الف) فروغ آن گل رخساری نقابم سوخت ب) می کند یک دیده بیدار کار صد چراغ پ) مژگان ز شور گریه طوفان نهیب من ت) چون لاله عذاران چمن جلوه نماید ث) مانند نخل بادیه هرگز نهال من
۷ ۴ ۹ ۳	۶ ۲ ۸ ۱

۱۲. در همه ابیات، هر دو نوع «استعاره» به کار رفته است؛ به جز:

صیاد ما ندارد فکر رهایی ما حسن هر جا جلوه پرداز است من آینه‌ام تا به عقبی سیر این دنیا و ما فیها کنید افسوس ای شکوفه خندان نیامدی	۱) ای عجز همتی کن تا بال و پر بریزم ۲) قابل برق تجلی نیست جز خاشاک من ۳) دوستان در گوشه چشم تغافل جا کنید ۴) شمعم شگفته بود که خندد به روی تو
--	--

۱۳. در کدام بیت هر سه آرایه «مجاز، تشبیه و استعاره» یافت می‌شود؟

زمانه بر سر شور است در شب مهتاب هر چند دل دو نیم بود حرف ما یکی است شد حلقه گرداب، گریبان من از اشک ای صبا نکهتی از خاک در یار بیار!	۱) زمین ز خنده لبریز مه نمکدانی است ۲) از حرف خود به تیغ نگردیم چون قلم ۳) تا شد سر غم گرم به طوفان من از اشک ۴) دم حافظ برد از دل غم دیرینه «حزین»!
---	---

۱۴. در همه ابیات، آرایه «مجاز» با یکی از آرایه‌های «جناس، تشبیه و کنایه» همراه شده است؛

به جز:

زین سان که دست کس به نگیخت نمی‌رسد (دُرُج: صندوقچه)	۱) ای دُرُج لعل دوست مگر خاتم جمی
وین چه مرا در سر است عمر در این سر شود من غلام آن‌که دورانیش نیست و اشتر آهسته می‌رود شب و روز	۲) آنچه مرا آرزوست دیر می‌شود ۳) ای دمت عیسی دم از دوری مزین ۴) اسب تازی دو تگ رود به شتاب



پاسخنامه آزمون جامع پایه یازدهم

۱۱) گزینه ۴ آزمون را با یک تست «آموزشی» شروع کنیم. در این ابیات به انواع تشبیه توجه کنید و حواستان باشد چیزی را از قلم نیندازید.

در بیت «الف»: در مصراع اول «گل رخسار» اضافه تشبیهی است. در مصراع دوم نیز شاعر خود را به گیاهی تشنه‌جگر مانند کرده (تشبیه گسترده). دو تشبیه در بیت «ب»: در مصراع اول شاعر به‌طور غیرمحسوس بدون به‌کار بردن ادات تشبیه و وجه‌شبه، دیده بیدار را به چراغ مانند کرده است. وجه‌شبه: روشنگری: یک تشبیه در بیت «پ»: ترکیب «گریه طوفان‌نهیبت» تشبیه است: گریه‌ای همچون طوفان، پر از وحشت و عظمت: یک تشبیه

در بیت «ت»: «لاله‌عذار» اضافه تشبیهی است: یک تشبیه در بیت «ث»: ۱. «نهال من»: اضافه تشبیهی. شاعر وجود نحیف خود را به نهال مانند کرده است. ۲. «بار ممت احسان»: اضافه تشبیهی. وجود نحیف همچون نهال من مانند نخل بیابان نیست که تحمل به دوش کشیدن بار ممت را داشته باشد. تشبیهی صورت نگرفته است. در این ابیات مجموعاً هفت تشبیه به‌کار رفته است.

۱۲) گزینه ۳ دو نوع استعاره را به‌خاطر بیاورید: مکنیه و مصرحه. حالا شروع کنیم: گزینه ۱: «عجز» را که یک مفهوم است، مورد خطاب قرار داده‌ایم: استعاره مکنیه - «صیاد» در مصراع دوم استعاره مصرحه از معشوق است.

گزینه ۲: «خاشاک» در این ابیات استعاره مصرحه از وجود شاعر است. - در مصراع دوم، قائل شدن ویزگی جلوه‌پردازی برای حُسن، نسبت دادن عملی انسانی به یک مفهوم است و استعاره مکنیه و تشخیص دارد. گزینه ۳: «گوشه چشم تغافل، استعاره مکنیه است. «غفلت» به انسانی تشبیه شده که چشم دارد. - در این بیت، استعاره مصرحه دیده نمی‌شود.

گزینه ۴: «شمع استعاره مصرحه از وجود شاعر است. در مصراع دوم نیز «شکوفه خندان» استعاره مصرحه از یار است. - شکفتن شمع: استعاره مکنیه

۱۳) گزینه ۱ زمین همچون نمکدانی است: تشبیه - خندیدن مه: استعاره مکنیه - «سر» در مصراع دوم مجازاً به‌معنی قصد و اراده به‌کار رفته است.